

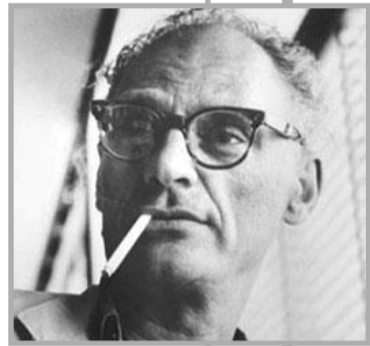
استاد دیالوگ نویسی

علی فرهادی پور / آرتور میلر نمایشنامه نویسی از نسل غول‌های بزرگ تئاتر معاصر جهان و در ردیف کسانی چون تنسی ویلیامز، برشت، یکت، یونسکو، آریال و چخوف در تحول تئاتر مدرن نقش مهمی داشته و «مرگ دستفروش» او از نخستین تراژدی‌های مدرن جهان است که سه جایزه اصلی نمایشنامه نویسی یعنی پولیتزر، تونی و جایزه حلقه منتقدان نمایشنامه نویسی نیویورک را از آن خود کرد. میلر یک بار برنده مدال طلای آکادمی هنر و ادبیات آمریکا و دو بار برنده جایزه منتقدان نیویورک شد، از دانشگاه‌های آکسفورد و هاروارد دکترای افتخاری گرفت و در سال ۱۹۶۵ به ریاست انجمن جهانی پین‌انجمن جهانی حمایت از حقوق شعرا، مقاله نویسان و رمان‌نویسان جهان انتخاب شد.

همه مسئولیم

او سبک رئالیستی منحصر به فردی داشت و در آثارش تصویر دقیقی از جامعه معاصر و ارزش‌های رو به زوال آن ارائه داد. بیشتر شخصیت‌هایش همانند ویلی لومن، قربانی بی عدالتی و بی رحمی نظام سرمایه‌داری بودند. آرتور میلر معتقد بود دنیایی از انسانها در اطراف ما زندگی می‌کنند که در برابر همه آنها مسئول هستیم.

در آثار او نیز نوعی احساس مسئولیت نسبت به انسانها نهفته است. آثار آرتور میلر با تاکید بر نقش خانواده، اخلاق و مسئولیت‌پذیری فرد، بازگو کننده فریاد و زوفازون جامعه مدرن است. او محور بسیاری از آثارش را بر پایه این پرسش استوار ساخته بود که آیا در دنیای



امروز با وجود خانواده‌هایی که فروپاشیده‌اند و مردمی که به ناچار نمی‌توانند مدت طولانی در یک مکان اقامت داشته باشند، پایه و اساسی برای زندگی انسانها باقی خواهد ماند؟ میلر سخن معروفی دارد که نشانگر مسئولیت‌پذیری گریزناپذیر انسان مدرن نسبت به جهان پیرامونش است: «ما همه در کشتارهای ویتنام، عراق، افغانستان و ... مسئولیم. ما سیاستمدارانی را به قدرت می‌رسانیم، به آنها مالیات می‌دهیم و مملکت می‌کنیم، پس دستمان به خون همه مظلومینی آلوده است که سیاستمداران ما آنان را به باور می‌کشند».

آرتور میلر را استاد دیالوگ نویسی نامیده‌اند. نمایشنامه «سقف کلیسای جامع» او را می‌توان از نظر دیالوگ نویسی، مانیفست مجموعه آثارش دانست. در این نمایشنامه که آشکارا در کشوری کمونیستی می‌گذرد، شخصیت‌ها در خانه‌هایی هستند که می‌دانند دستگاه شنود در آن کار گذاشته شده. به این ترتیب، گفتگوهایشان را در واقع برای یکدیگر نمی‌گویند و بیش از آنکه جواب هم را بدهند، هدفشان آن گوش‌سومی است که به حرف‌هایشان گوش می‌دهد.

میلر با بسیاری از اهل قلم پیر و جوان ایرانی از جمله محمد علی سپانلو، شهریار مندنی‌پور و محمود دولت‌آبادی آشنایی داشت. وی در سال ۲۰۰۲ مفتخر به دریافت نشان افتخار ادبی اسپانیا شد و در دهم فوریه ۲۰۰۵ در خانه‌اش به دنیای مردگان شتافت، اما به قول خودش «وقتی نوشتی، دیگر نمی‌میری».

۲۶ مهر

شهادت امام رضا (ع)

روز ورزش و تربیت بدنی

روز ریشه‌کنی فقر

- ۱۳۰۱: تولد ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلمساز
- ۱۳۳۱: تصویب قطع روابط با انگلیس در مجلس شورای ملی
- ۱۳۵۳: تولد مازیار فلاحی، خواننده
- ۱۳۵۹: سخنرانی شهید رجایی در شورای امنیت سازمان ملل متحد
- ۱۳۸۰: گشایش موزه محمود فرشچیان در مجموعه فرهنگی-تاریخی سعدآباد تهران
- ۱۳۸۴: گشایش موزه ملی قرآن کریم
- ۱۳۹۴: درگذشت کامران زمانی نعمت‌سرا، شارح آثار بیدل دهلوی
- ۱۴۸۰م: تولد فریدبند ماژان، سیاح و دریانورد پرترغالی
- ۱۸۱۳: تولد مارل گئورگ بوخنر نمایشنامه‌نویس آلمانی
- ۱۸۴۹: درگذشت فردریک شوپن موسیقیدان لهستانی
- ۱۹۱۵: تولد آرتور میلر، خالق نمایشنامه مرگ فروشنده

۲ سال مانده به ۱۰۰ سالگی

همراه با «ابراهیم گلستان»

دیرپاترین نویسنده و فیلمساز شیرازی

گلستان در نزدیکی خانه خود یک ویلایی برای فروغ گرفت و هر دو هم‌زمان دوره‌ای پر از خلاقیت هنری را پشت سر گذاشتند



است در انگلستان زندگی می‌کند از همسرش دو فرزند به نام‌های کاوه و لیلی دارد؛ کاوه گلستان عکاس خبری مشهور ایرانی بود که در طی مأموریتی در سال ۲۰۰۳ به همراه گروه خبری بی‌بی‌سی در عراق بر اثر انفجار مین جان سپرد.

لیلی گلستان، به‌عنوان مترجم، نویسنده و مدیر گالری گلستان در ایران مشغول فعالیت است. مانی حقیقی کارگردان سینما، مهرک گلستان خواننده رپ، صنم حقیقی کارشناس نفت و محمود حقیقی نوه‌های ابراهیم گلستان هستند.

سردبیری اخبار هفته

گلستان پس از جدایی از حزب توده برای استخدام در اداره انتشارات شرکت نفت ایران و انگلستان به آبادان رفت.

دیلن تامس شاعر ولزی در سال ۱۹۵۱ برای نوشتن مطالب تبلیغاتی برای شرکت نفت به آبادان رفته و گلستان به‌عنوان مترجم در کنار او بود. همچنین در طی آن دوران مدتی رمان‌های معروف جهان را برای نشریه روزانه اخبار هفته ترجمه و منتشر می‌نمود. برای مدتی نیز سردبیر این نشریه بود با تیراژ ۲۵ هزار نسخه.

گلستان نفتی؟

در سال ۱۳۳۶، ابراهیم گلستان پس از تجربه‌اندوژی‌های فراوان در شرکت نفت، استودیوی سینمایی خود را به نام «استودیو گلستان» تأسیس کرد و فیلم‌های مستندی برای یکی از سازمان‌های شرکت نفت در این استودیو به تولید رسید. فیلم‌های ماندگار «یک آتش» و «سوج و مرجان و خار» محصول این دوران زندگی او هستند. او در محافل فرهنگی و هنری به دلیل این همکاری‌ها، به لقب «روشنفکر واداده» و «گلستان نفتی» مشهور شده بود؛ گلستان البته در سال ۱۳۴۰ برای فیلم یک آتش موفق به دریافت مدال برنز جشنواره فیلم کوتاه ونیز شد. این جایزه، اولین جایزه بین‌المللی برای یک کارگردان ایرانی به‌شمار می‌رود.

اسرار گنج دره جنی

ابراهیم گلستان در کنار فیلم‌های مستندی که ساخت و فیلم داستانی با نام‌های خشت و آینه (۱۳۴۴) و اسرار گنج دره جنی (۱۳۵۰) نیز در کارنامه هنری خود دارد. وی همچنین تهیه‌کننده فیلم خانه سیاه است به کارگردانی فروغ فرخزاد. در اوایل دهه ۱۳۴۰ به دلیل نقدی که بهرام بیضایی به خواهش جلال آل احمد بر فیلم‌هایش نگاه داشته بود با بیضایی آشنا شد. فیلم‌های «په‌های مارلیک» و «گنجه‌های گوهر» را در نیمه ابتدایی دهه ۱۳۴۰ جلوی دوربین برد و سپس خشت و آینه را ساخت که نخستین فیلم بلند داستانی او محسوب می‌شود. ابراهیم گلستان که ۴۲ سال

به دزدی رفته‌ها

در دوران دانشجویی به عضویت حزب توده درآمد و تحصیل در رشته حقوق را نیمه‌کاره گذاشت و به عکاسی مشغول شد. به‌تدریج با حزب دچار اختلافاتی شد و در پی انشعاب خلیل ملکی از حزب او نیز در سال ۱۳۲۶ راهش را از حزب توده جدا کرد. با جدایی از حزب و فعالیت‌های سیاسی، تمرکز ابراهیم گلستان بر روی ادبیات بیشتر شد و در سال ۱۳۲۶، اولین مجموعه داستان خود را با نام «به دزدی رفته‌ها» به چاپ رساند.

پیانو است اشراف زاده‌ها کمی درباره «فردریک شوپن»

نزدیکش بودند. نوازندگی شوپن سبب شد، خیلی زود به محافل اشراف پاریس راه یابد. فرانتز لیست درباره افرادی که در کنسرت‌های نه چندان فراوان شوپن حضور می‌یافتند، توصیفی جالب کرده است: «کالسکه‌ها یکی پس از دیگری سر می‌رسیدند... آراسته‌ترین بانوان، خوش‌پوش‌ترین مردان، ثروتمندترین سرمایه‌داران و سرشناس‌ترین نجیبا از آنها پیاده می‌شدند... گروه کاملی از اشراف‌زادگان سعادت‌مند و زیبا».

سبک موسیقی شوپن

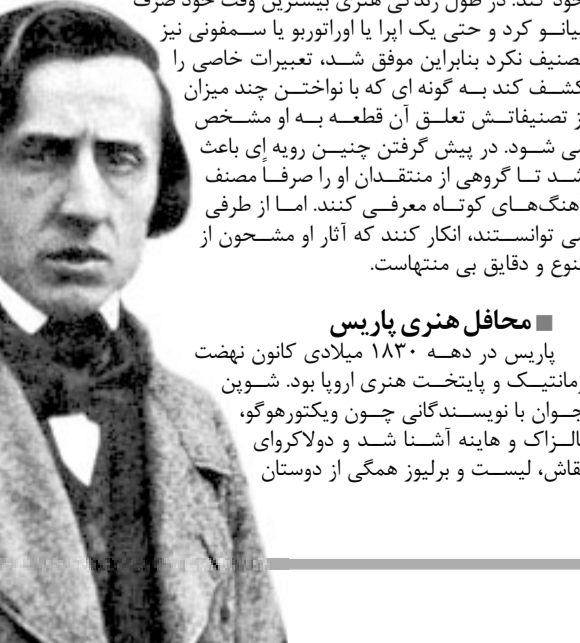
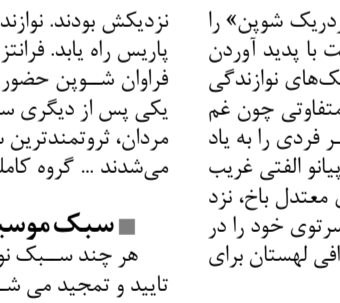
هر چند سبک نوازندگی شوپن از طرف صاحب‌نظران و منتقدان تایید و تمجید می‌شد اما در میان عموم مردم جایگاه شایسته خود را نیافته بود زیرا کارهای او چندان مناسب سالن‌های بزرگ نبود. همین مساله در ۱۸۳۵ میلادی غم و اندوه فرازینده‌ای را برای او پدید آورد چراکه در کنسرتی که برای خرید مردم عادی برگزار شده بود، تنها به به اجرای او نشان ندادند. او با روحی افسرده تصمیم گرفت، تنها به تصنیف موسیقی بپردازد و هرگز دست به اجرای آن نزند.

فقط بهترین آثار

شوپن در ژانویه ۱۸۴۸ با روحیه افسرده و دل‌تنگ از سفر به شهرهای منچستر، گلاسکو و ادینبورگ به فرانسه بازگشت. می‌گویند همانطور که قطار به پاریس نزدیک می‌شد، از این سفر غیرعقلانه خود به انگلیس با تلخی یاد می‌کرد و به همراهش که کمک او بود گفت: «این گله و گوسفند را که در این چمنزار می‌بینی از مردم انگلستان با هوش‌ترند!» در پاریس دیگر توانایی و قدرت تدریس نداشت، بیماری شدت گرفته و با مشکلات عدیده روبرو شده بود.

چند روز قبل از مرگ از خواهرش خواهش کرده بود که نوشته‌ها و نت‌های چاپ‌نشده‌اش را بسوزاند و گفته بود که «هن به خود و به دوستدارانم این تعهد نانوشته و ناگفته را داده‌ام که فقط بهترین آثارم را عرضه کنم. بدین اصل در تمام عمرم وفادار بوده‌ام و اکنون هم بدان قول عمل می‌کنم».

شوپن سرانجام در ۱۸۴۹ و در ۳۹ سالگی در پاریس چشم از جهان فرو بست. پیش از مرگ بر اثر سسل، درخواست کرد تا در مراسم خاکسپاریش روییم موتزارت اجرا شود. در این مراسم، مارش عزای سونات بیانو در سی‌یمل مینور اثر او نیز نواخته شد.



محافل هنری پاریس

پاریس در دهه ۱۸۳۰ میلادی کانون نهضت رمانتیک و پایتخت هنری اروپا بود. شوپن جوان با نویسندگانی چون ویکتور هوگو، بالزاک و هاینه آشنا شد و دولاگروی نقاش، لیست و برلیوز همگی از دوستان

وقتش فرا رسیده

روز جهانی ریشه‌کنی فقر

۱۷ اکتبر با نام «روز جهانی ریشه‌کنی فقر» در جهان شناخته شده‌است. در جهان کنونی که روند پیشرفت اقتصاد، فناوری و منابع مالی با شتاب دگرگون می‌شود، میلیون‌ها انسان در فقر شدید زیستی به‌سر می‌برند. فقر تنها برآیند مشکلات مالی و اقتصادی نیست، بلکه عوامل و راه‌های دیگری مانند ضعف در توانایی‌های پایه برای زیستن، همراه با درآمد نامطلوب، به زیستن در فقر خواهد انجامید. انسان‌هایی که روزگار خود را در فقر می‌گذرانند، به‌علت درگیر شدن با انواع محرومیت‌ها از شناخت درست نیازها و حقوق خود باز می‌مانند و روند رخنه همیشگی فقر در زندگی‌شان را نمی‌توانند متوقف کنند. برخی از این عوامل و محرومیت‌ها عبارتند از: شرایط خطرناک و ناسامان محیط کاری، گزینش مسکن ناامن، کمبود موادغذایی، نداشتن عدالت و تساوی به‌معنای حقیقی آن، ضعف در توان و بینش سیاسی و دسترسی اندک به خدمات بهداشتی-درمانی. با توجه به فرارسیدن ۳۱ سالگی تصویب «پیمان‌نامه حقوق کودک» در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸ ش)، یادآوری برخی از این حقوق مانند حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی، اقتصادی و فرهنگی هر کودک، جدا از نژاد، مذهب یا توانایی‌های او، اهمیت رسیدگی به موضوع فقر در کودکان را برجسته می‌سازد. پیمان‌نامه حقوق کودک که به نوعی، به بازنمایی حقوق همه کودکان برای داشتن وضعیت استاندارد و مطلوب جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و رشد اجتماعی می‌پردازد.



فقر مانع رشد و بالندگی حقیقی کودکان می‌شود و در آینده و بزرگسالی، سبب پایین بودن درآمد و وضعیت بهداشتی و سلامت آنها خواهد شد. هنگامی که نقض‌کننده حقوق کودکان شناخته می‌شود، مسئولین و کارگزاران، وظیفه‌های قانونی برای ارتقا، پشتیبانی و برآوردن حقوق کودکان دارند. همچنین، ضرورت توجه ویژه به تبعیض‌هایی که دختران در کودکی تجربه می‌کنند، شناسایی تبعیض‌ها و برجسته‌سازی آنها بسیار اهمیت دارد. با یادآوری چندباره حقوق کودکان و بازنگری شعارها و رویدادهای گوناگونی که در دغدغه‌هایی کودکان از فقر می‌پردازند، هنگام آن فرارسیده که به تعهدات لازم برای تضمین سلامت کودکی کودکان و آینده سالم آنها در بزرگسالی عمل شود تا کم‌کم از آمار کودکان و خانواده‌های درگیر فقر کاسته شود.

شور و نشاط

هفته تربیت بدنی همه ساله از ۲۶ مهر تا دوم آبان به منظور آشنایی جامعه با اهمیت و اثرات کاربرد ورزش در زندگی فردی و اجتماعی، اشاعه و توسعه و ترویج ورزش در خانه و خانواده و هدایت و ارشاد جامعه به ورزش‌های همگانی برگزار می‌شود.

تاریخچه ورزش در ایران

در میان کشورهای مشرق زمین، ایران، تنها کشوری بود که در نظام تعلیم و تربیت خود، بیشترین اولویت را به تربیت بدنی و ورزش می‌داد. در یکی از کتاب‌های باستانی آمده است: ورزش در ایران باستان، با هدف سلامت، شادابی و آماده بودن برای دفاع از وطن پا گرفت و هدف اصلی آن، تربیت جوانان بود. تیراندازی، کوهنوردی، شمشیرزنی، دو، اسب دوانی، شترسواری، ارابه‌رانی، مشتزنی، شنا و کشتی، در این مرز و بوم رواج داشت. پارسیان، شکار و شکارگاه را آموزشگاه حقیقی جنگ می‌پنداشتند و جوانان پارسی در شکار، سحرخیزی، بردباری در راه رفتن و دوندگی و تیراندازی، آمادگی روحی و چابکی را فرا می‌گرفتند.

اهمیت ورزش

توجه به ورزش و تلاش بر توسعه آن در میان همه اقشار جامعه، به دلیل آثار سودمندی است که از این کار به دست می‌آید؛ چون ورزش مایه پرهیز از بیکاری، مبارزه با کسالت و تنبلی، افزایش توانایی‌های جسمی و روحی، شجاعت، سلامت جسمانی و فکری و نیز وسیله‌ای برای جمع‌گرایی و اجتماعی شدن است. ورزش، همان‌طور که بر جسم آدمی تأثیر می‌گذارد، بر روح و روان او هم تأثیر دارد. یکی از نتایج مفید ورزش بر روی شخصیت افراد افزایش اعتماد به نفس است. ورزشکاران موفق، خود ساخته بوده و در برابر مشکلات، مقاوم‌تر هستند. از دیگر نتایج روانی ورزش، افزایش شور و نشاط ورزشکار و امید به آینده اوست.

شوپن گفته بود که «من به خود و به دوستدارانم این تعهد نانوشته و ناگفته را داده‌ام که فقط بهترین آثارم را عرضه کنم»